

بررسی اجمالی واقعیت و موشگافی مؤلفه‌های زندگی معنا دار پویایی داخلی و تقسیم بندی‌های میان گروهی موجود هیچگاهی بمنظور رسیدن به هدف نباید عجله نمود

خوشبختی با عبور از سختی‌ها واقعاً زیبا و دلپذیر می‌باشد
همه چیز در بهترین زمان انجام می‌پذیرد
چگونگی تجدید نظر در تاریخ سده ۲۰
چه با شکوه است زنده ماندن

زندگی معنا داریکی از مهمترین موضوعات فلسفی در دوران جدید محسوب میگردد مسائلی اصلی که در اینمورد مطرح میگردد، مربوط به پرسشهای مربوط باینکه آیا زندگی معنا و هدف دارد؟ آیا زندگی ارزشمند است؟ آیا شهروندان یک کشور مستقل از شرایط و علایق خاص خودش معنا دارد؟ نظر بیشترین تعداد فلاسفه غرب در مورد معنای زندگی پس از جداسدن از دیدگاههای کمابیش متأثر از روند روبرشد نهیلیسم در عصر جدید بوده است. در تاریخ اندیشه انسانی موضوع هدف و معنای زندگی در دو نهایت کلی مورد بررسی قرار گرفته است: در یک قطب اعتقاد باصل مطلق وجود و سرنوشت مقدر حاکم است و در قطب دیگر انکار هر نوع معنای مقصود برای زندگی و بیان اینکه زندگی انسانی یک پدیده کاملن بی محتوا و بدون معناست. زندگی معنا دار یکی از مهمترین موضوعات فلسفی و روانشناختی در دوران جدید و عصر صنعتی شدن جوامع و پیشرفت همه جانبه علم و فناوری است. رواج نهیلیسم در جوامع بشری، بویژه در دنیای غرب، پس از رنسانس و انقلاب علمی و صنعتی شتاب فزاینده ای داشته است. جامعه شناسان و روانشناسان امور متعددی مانند رنج کشیدن، ناکامیها، شکست ها و ناتوانی تفسیر آنها را از جمله عوامل درونی و اجتماعی پوچ نگاری می دانند. در این میان بنظر میرسد که مهمترین عامل این معضل اینست که انسان خود را گم کرده و حقیقت خود را فراموش نموده است و روشن است آنکه خود را گم کرده باشد، زندگی برایش بی معنا خواهد بود. پایان پذیری زندگی دنیوی با واقعه مرگ و مشکلات و رنج هایی که در زندگی دنیایی بانسان می رسند، از جمله واقعیهایی هستند که عدم درک و تفسیر نادرست آنها، انسان غرق در لذات مدرنیته را در بن بست بیمعنا بی پدام میاندازد. عده ای سعادت بشری را مبتنی بر توهمات میندانند و عده ای دیگر بمنظور ضدیت با ابراز نظرهای اینچنینی مخالفت شان را با بانگ رسا اظهار مینمایند.

اگر مسائلی مورد بحث را با دید موشگافانه و در عین حال بمفهوم وسیع کلمه مورد ارزیابی و مطالعه قرار دهیم، باین نتیجه نایل خواهیم گردید که در کنار عوارض، کمبودی ها و کم کاری ها و با وجود اینهمه موارد و مسائلی موجود در کشور، هیبت الله تلاش نمود تا شگاف موجود میان کندهار و کابل را مرفوع نموده یا بحد اقل کاهش داده تا توانسته باشد یگانگی "طالب" ها را تضمین نماید. با اینحال، اختلافات و تنش ها در امتداد خطوط دیرینه همچنان با قوت خود باقی می باشد که بیشتر از همه به قومیت، جغرافیا و مهمتر از همه باصل وفاداری های جناحی مربوط می باشد تا به سیاست. در کنار همه موارد موجود، چگونگی دسترسی به هیبت الله از نزدیک نظرات گردیده و امنیت شخصی نامبرده بویژه در امتداد سال های پسین، بیش از هر زمان دیگری تقویت گردیده و درین میان، چهره های کلیدی از جمله ملا محمد یعقوب و جلال الدین حقانی بمثابة وزیران وزارت های دفاع و امور داخله، چاره ای، جز پذیرش انتصاب ها و گماشتنهای اشخاص و افراد مورد نظر توسط امیرالمؤمنین در پست های کلیدی وزارتخانه های شان ندارند. در عین زمان، برخی از شخصیت های ارشد "طالب" ها، اصل اطاعت از امیرالمؤمنین را موعظه می نمایند. بخاطر ما باشد که

که پویایی قبیلہ بی درنوع خود، اصل پیچیده ای بشمار می آید. برخی از "طالب" های سطح متوسط بنمایندگی از سبب یرقبایل موجود در کشور، چنین می پندارند کآنها فراموش شده اند. فرماندهان با تجربه نیز از جابجایی ها وانتصاب های شخص امیرالمؤمنین خشمگین و ناراض بنظر می رسند. نارضایتی ها وشکایت های گسترده ای بویژه در مورد چگونگی فعالیت ها وعمکردهای کمیسیون پاکسازی بمیزان قابل توجهی افزایش یافته ومعضل منحصربفردی برای رهبری ایجاد مینماید. اما درامتداد زمانی پسین کمیسیونی بههدف مهاراصل خویشاوندی ها بویژه در نیروهای امنیتی وبمنظوردستیابی بانعده ازجنگجویان "طالب" ها که درامتداد زمانی شورشگری مصدرخدمت گردیده اند، ایجاد گردید تا زمینه بمنظورقدردانی از آنها فراهم گردیده وازبرخی مزایای دولتی و فرصت های شغلی رسمی برخوردار گردند. درعوض، چگونگی عملکرد عده ای از "طالب" ها منجر بواکنش های کسانی شده است کاحساس می نمایند اصل وفاداری آنها توسط مقام های دولتی زیر سؤال قرار گرفته است. وضعیت اینچنینی، این نگرانی را بوجود آورده است که ممکن جنگجویان نا امید "طالب" ها بمنظور پیوستن به "داعش" فرار را برقرار ترجیح دهند. همین اکنون در قلمرو تحت حاکمیت "طالب" ها تعداد زیاد پرسونل، امکانات توانمند اطلاعاتی و... عملن موجود می باشد. بااستفاده ازچنین فرصتی، این "طالب" ها اند که نفوذ سیاسی وحضورگسترده شان را درسراسرکشور، حتا در سطح ولایت ها و ولسوالی های کشور از قوه بفعل مبدل نموده است. شخص هیبت الله با ایجاد و پایه گذاری سپاه بدرو ذوالفقار که مستقیمن به نامبرده از چگونگی وضعیت گزارش ارائه می نمایند، نظارتش براوضاع را بیش از پیش گسترش بخشیده است. وظایف واحد "بدر" در برگیرنده نظارت بر مدیران اداره عمومی اطلاعات می باشد تا از چگونگی عملکردهای آنها بر بنیاد تفسیر "طالب" ها از ضوابط شریعت اطمینان حاصل گردد. واحد یادشده همچنین در برای کارکنان درمورد اهمیت دید گاه دیوبندی درمورد اسلام وبویژه درمورد فعالیت های اطلاعاتی توضیحاتی ارائه می نماید.

درمورد توانایی های حاکمیت بمثابه اقتدار بالفعل بایست خاطر نشان گردد که "طالب" ها اصل حکومتداری شان را در سطح بالاتری از نظم و نظارت همه جانبه در سراسرکشورگسترش داده اند. برین بنیاد، علیرغم برخی از استثناها، فساد عمدتن دراداره عمومی کشوروبویژه درگذرگاههای مرزی کشورکاهش یافته است. تصمیم های مهم سیاسی، از جمله درمورد واکنش باخراج شهروندان کشورما بویژه از پاکستان، مدیریت اقتصاد کشور، چگونگی عملکردها در بخش امنیت ملی، همه وهمه، توسط حلقه داخلی رهبری "طالب" ها درکندهار تعیین ومشخص می گردد، درحالی که تصمیم ها و اقدامات محدودتر اقتصادی درکابل توسط "حکومت موقت" و درچارچوب کابینه وزیران اخذ می گردد. اما بخاطرماباشد که اقتصاد بی ثبات، فقرگسترده ووابستگی بکمک ها ومعاونت های بشردوستانه،تغییرات اقلیمی، مسایل مربوط بآب وانرژی، اختلافات مرزی وتاثیریلایای مکرر طبیعی، ازجمله مشکلات ومعضلات کنونی است که درقبال "طالب" ها خودنمایی می کنند. بسیاری از کشورها با نگرانی فزاینده ای چگونگی تخصیص منابع پولی وهز ینه های امنیتی "طالب" ها را مورد پرسش قرار داده ودر مورد ابراز نگرانی بعمل آمده است که نبود و فقدان توجه کافی "طالب" ها به تأمین وجوه مالی نیازها از منابع داخلی، بنحوی ازانحأ، اصل وابستگی بکمک ها و معاونت های مالی خارجی را وسعت بخشیده است. دروضعیت اینچنینی، خطرماهاجرتها آنها درمقیاس وسیع و بزرگتری خطرراد یکال شدن واستخدام هایی دردسته بندی های تروریستی رابیش ازهر زمان دیگری فراهم می نماید. اینهمه، بمثابه عوامل تهدید در قبال صلح وثبات منطقوی پنداشته می شود.

درشرایط ووضعیتهای کنونی کشورعزیزما، هیچگونه نشانه ای از طرح، تصویب و پذیرش قانون اساسی جدید کشور توسط "طالب" ها اصلن بنظر نمی رسد. درامتداد زمانی پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها تاکنون، حاکمیت آنها بر بنیاد موازین شریعت واحکام و دساتیرامیرالمؤمنین اداره و رهبری می گردد. همچنین فقدان و نبود چارچوب قانونی واحد مورد توافق درعرصه سیستم قضایی مستقل کشوراز موارد دیگریست که تا کنون بان توجه لازم صورت نگر فته است. قضات درمجموع، دربرابرکنندهاروشخص هیبت الله پاسخگومی باشند که با تغییر وتبديل پست ها دردارالا فتأ (مؤسسه فقه اسلامی)، شوراهای علمای ولایتی و ستره محکمه، انتصاب اشخاص و افرادی از ملیت های دیگر بویژه درمناطق ومحلات شهروندان هزاره کشوروحذف فقه شیععه ازبرنامه های درسی دانشگاهها، همه وهمه موارد ی پنداشته می شود که توسط امیرالمؤمنین وبابتکارنامبرده از قوه بفعل مبدل گردیده است.

با وجودآنکه هیبت الله درامتداد سال ۲۰۱۴ خورشیدی بگونه دوفاکتوزارت امورخارجه راموظف به توسعه وگسترش مناسبات خارجی با کشورهای دیگر نمود، اماهیچگونه پیش نویس سندی درمورد یادشده تاکنون علنی نشده واما

گزارش گونه هایی حاکی از آنست که نامبرده در مورد تعاملات بین المللی با وزیرای کابینه درکابل اختلاف نظر دارد. "طالب" هاز شرکت و سهمگیری در جلساتی که بمثابه بخشی از نشست دوحه دوم که در ماه دلو سال ۱۴۰۲ خورشیدی گشایش یافت، خودداری بعمل آوردند. در عین زمان، "طالب" ها بانجام تعامل دوجانبه عملگرایانه ای با تعدادی از دول کشورهای منطقه و سایرکشورها ادامه دادند. آنها بدون آنکه برسمیت شناخته شوند، در برخی از کشورها نما یندگی های دیپلماتیک شان را دارند. بگونه خلاصه، "طالب" ها در غیاب یک توافق بزرگ و قابل توجه، با ایجاد تعاملات عملی مبتنی بر منافع متقابل ادامه می دهند.

در مورد صلاحیت های امنیتی، یاددهانی این مسأله درخور اهمیت پنداشته می شود که در امتداد ۱۲ ماه سال پسین، وضعیت امنیتی درکشور بهبود حاصل نموده و از ثبات نسبی برخوردار گردید. در تعداد حوادث خشونت آمیز بمقایسه سال قبل، کاهش قابل توجهی بملاحظه می رسد. با وجود تنش های فرامرزی، اما هیچگونه تهدید نظامی خارجی علیه حکومت سرپرست اصلن وجود ندارد. بزرگترین تهدید داخلی برای "طالب" ها وقابل ذکرتترین خطر علیه صلح و امنیت در داخل کشور از جانب "داعش" پنداشته میشود. عملیات های انجام پذیرفته در قبال تهدیدهای "داعش"، چه بر بنیاد ملاحظیات داخلی و چه در پاسخ بفشارهای بین المللی، از تأثیرات قابل توجهی برخوردار بود. باینحال، عده ای ازکشورها، نتیجه بدست آمده را بیشتر تاکتیکی و عده دیگر آنرا ستراتیژیک بحساب می آورند.

اما این مسأله قابل یاددهانی پنداشته می شود که اهداف و مقاصد "طالب" ها روشن می باشد و از جمله یکی هم اینکه باید با تهدیدهای موجود مقابله همه جانبه ای انجام پذیرد و اما درباره توانایی های آنها در امر مبارزه علیه تروریزم، شک و تردیدهایی موجود می باشد. سایر دول کشورهای منطقه تا حدودی از ادعای "طالب" ها مبنی بر بیرون راندن چهره های کلیدی "داعش" بخارج از مرزهای کشور حمایت نموده اند. اما این مسأله قابل یاددهانی پنداشته می شود در حالی که هنوز هم میزان نفوذ "داعش" در داخل قلمرو اراضی متعلق به پاکستان، جمهوری اسلامی ایران و کشور های آسیای مرکزی مشخص نشده، اما موجودیت موارد یادشده، بخودی خود بر امنیت مجموعی منطقه اثرات منفی بجا گذاشته است. با اینهمه، "داعش" بر بنیاد یک مدل و با سلول های موجود و سطح بلندی از عملیات امنیتی به انجام برنامه هایش درکشور عزیز ما همچنان ادامه داده و درین مسیر کوشا می باشد.

دیدگاه جامعه جهانی در مورد تعهدات مندرج در توافقنامه صلح افغانستان میان ایالات متحده و "طالب" ها در ارتباط به مهارت تهدیدهای تروریستی برخاسته از افغانستان هنوز هم برای تعدادی از "طالب" ها از اهمیت مشخصی برخوردار می باشد. با وجود آنکه آنها اعضای "القاعده" و دسته بندی های مربوط بآنها در خود مدغم نموده و آنها را به توقف و یا کاهش اقدامات شان در افغانستان ناگزیر پنداشته اند، اما گروه های یادشده به تداوم روابط شان با "القاعده" همچنان صادق و وفادار مید.

باینحال، اما برخی ازکشورها، از سازماندهی مجدد "القاعده" و از استخدام جنگجویان و انجام فعالیت های آموزشی گروه یادشده و مهمتر از همه، از سفرها و دید و بازدیدهای عوامل "القاعده" ازکشور عزیز ما ابراز نگرانی و تشویش نمود اند. بخاطر باید داشت که از کاهش اقدامات تروریستی درکشور نمی توان سخنی بمیان آورد و این درحالیست که "القاعده" و گروه های وابسته بان، افغانستان را بمثابه سرزمین دوست می پندارند.

یاددهانی بعمل می آید که "تحریک طالب های پاکستان" با استفاده و بکارگیری اراضی متعلق بکشور عزیز ما، بساز ماندهی و انجام عملیات تروریستی در پاکستان مبادرت ورزیده که اغلب شهروندان کشور ما را نیز در انجام و بسررسا ندن اقدامات یادشده مشارکت می دهند. دول کشورهای همجواری افغانستان و همچنان کشورهای منطقه، معضل یادشده را بمثابه عامل دشواری برای "طالب" های افغان می پندارند، چه آنها "تحریک طالب های پاکستان" را بمثابه گروه تروریستی نپنداشته و ارتباط های نزدیک و محکمی با آنها داشته و مدیون تحریک طالب های پاکستان می باشند.

از جانب دیگر، هیبت الله بمنظور تقویة امنیت شخصی خود و نیروهای "ویژه" تحت نظارتش در کندهار، تلاش ورزید تا بمب گذاران انتحاری را که قبلن تحت امر فرماندهان جداگانه بودند، تحت ساختار فرماندهی واحد در کندهار گرد هم آورد. انتظار برده می شد کاین امر سبب شکل گیری نیروی بزرگتر از تروریست های آموزش دیده گردد، اما عده ای ازکشورها تخمین می زنند که فرارو در مقابل، بازگشت شبه نظامیان بواحدهای فرماندهان قبلی باین مفهوم پنداشته می شود که فقط نیمی از تعداد مورد انتظار جنگجوها به رهبری مولوی عبدالاحد طالب، فرمانده وفادار هلمندی باقی می مانند.

از جانب دیگر، ولایت بدخشان بدلیل نگرانی هایی از احیای احتمالی "داعش" و همچنان موجودیت تهدیدهای گروه های

مسلح مخالف و اختلافات مداوم درونی "طالب" ها بمثابة یکی از مهمترین ولایت های کشوری باقی مانده است. در امتداد ماهای عقرب و قوس سال ۱۴۰۲ خورشیدی، محمد حسن آخوند بمثابة صدراعظم حکومت سرپرست "طالب" ها دستور داد تا سلسله تغییراتی در ساختارهای امنیتی و سیاسی ولایت یادشده صورت گیرد. بر بنیاد گزارش های بنشر رسیده، اختلافات داخلی "طالب" ها در ولایت یادشده ناشی از نادیده گرفتن دستورالعمل های کندهار، از جمله در مورد ممنوعیت کشت و زرع خشخاش در این ولایت است که نگرانی های "طالب" ها را در مورد بدتر شدن وضعیت امنیتی در این ولایت ببار آورده است. اقدامات مشابهی بمنظور تحت نظارت قرار دادن چگونگی عملکردهای افراد و عوامل غیر پبنتون "طالب" ها در مناطق دیگر شمال کشور، از جمله در بغلان و تخار همچنان ادامه دارد.

یکشنبه ۲ ماه جدی سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۲۲ ماه دسامبر سال ۲۰۲۴ ترسایی